

Economic Discourse Analysis of Rowhāni's Government: from Neo-liberal Economy to Resistance Economy¹

Safialla Darvish¹, Alireza Rezaei², Ghasem Torabi³

1. *PhD. Student, Department of Political Science, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. alirezadarvish77@gmail.com*

2. *Associate Professor, International Relations, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran (Corresponding author). IR.Alirezarezaei@gmail.com*

3. *Associate Professor, International Relations, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. ghasemtoraby@yahoo.com*

Abstract

The purpose of the present study is the analysis of the economic discourse executed in Rohwhani's government. The main research question is: what factors contributed to the economic discourse turning from a neo-liberal interactionist into a resistance economy during the presidency of Mr. Rowhāni? The research hypothesis is that turning from a neo-liberal interactionist economic discourse into a resistance economy was under the influence of failure in JCPOA and the US withdrawal from the deal. Data analysis method in this research was based on Foucauldian and post-Foucauldian discourse analysis. In addition to referring to Iran's economic discourses after the Islamic revolution, the causes of adopting a neo-liberal interactionist discourse by Rowhāni's government was discussed in this research. The results of the study show that since the international system, especially its major actors such as the USA, Europe, Russia, China, and a group of Hebrew and Arabic countries in the region did not accompany with the economic decisions of Iran, the ideas of Rahāni' cabinet in the foreign policy could not be executed.

Keywords: Discourse Theory, Discourse Turn, Hasan Rowhāni, Neo-liberal Interactionist Economy, Resistance Economy, JCPOA.

1. **Received:** 2021/09/06 ; **Revised:** 2021/10/12 ; **Accepted:** 2021/11/06 ; **Published online:** 2022/06/22

DOI: 10.22034/sm.2021.538463.1749

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



تحلیل گفتمان اقتصادی دولت روحانی: از اقتصاد نئولیبرال تا اقتصاد مقاومتی^۱

صفی‌اله درویش^۱، علیرضا رضایی^۲، قاسم ترابی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. alirezadarviish77@gmail.com
۲. دانشیار، روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول). IR.Alirezarezaei@gmail.com
۳. دانشیار، روابط بین‌الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. ghasemtoraby@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی گفتمان اقتصادی اجرا شده در دولت روحانی است. سوال اصلی پژوهش این است که تطور از گفتمان اقتصادی تعامل‌گرای نئولیبرال به اقتصاد مقاومتی در دوران حکمرانی آقای روحانی متأثر از چه عواملی رخ داد؟ فرضیه پژوهش این است که چرخش از گفتمان اقتصادی تعامل‌گرای نئولیبرال به اقتصاد مقاومتی، متأثر از ناکامی پرونده برجام و خروج آمریکا از برجام بوده است. روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش، براساس نظریه گفتمان فوکویی و پسا فوکویی است. در این پژوهش ضمن اشاره به گفتمان‌های اقتصادی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به زمینه‌های اتخاذ گفتمان تعامل‌گرای نئولیبرال پرداخته می‌شود. نتیجه و دستاورد پژوهش این است که فقدان همراهی نظام بین‌الملل و به ویژه بازیگران عمده آن نظیر آمریکا، اروپا، روسیه، چین، و مجموعه‌های عبری و عربی منطقه‌ای با نوع کنش انتخاب شده از سوی ایران، مانع اجرایی شدن ایده‌های دولت روحانی در سیاست خارجی شد.

واژه‌های کلیدی: نظریه گفتمان، چرخش گفتمانی، حسن روحانی، اقتصاد تعامل‌گرای نئولیبرال، اقتصاد مقاومتی، برجام.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران ضمن تولید گفتمان‌های سیاسی در عرصه‌های داخلی و سیاست خارجی، موجب گفتمان‌های اقتصادی نیز گردید. این دو نوع گفتمان روابط متقابلی با یکدیگر داشته‌اند، یعنی هم از گفتمان‌های سیاسی، گفتمان اقتصادی متولد شده و هم گفتمان اقتصادی، بر ساختار سیاسی تأثیر نهاده است (جدی، ۱۳۹۸: ص ۱۹۵). گفتمان لیبرال اسلامی در دوران دولت موقت و ریاست جمهوری ابوالحسن بنی‌صدر، گفتمان چپ اسلامی ارزش‌مدار دولت میرحسین موسوی در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸، گفتمان سازندگی و اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی در دوران ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶، گفتمان دموکرات اسلامی و اصلاح‌طلبی در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، گفتمان اصول‌گرایی و عدالت‌خواه اجتماعی در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ و گفتمان اعتدال و تعامل‌گرایی دولت حسن روحانی در فاصله سال‌های ۱۳۹۲، از مهم‌ترین گفتمان‌های سیاسی دولت‌های ایران بعد از انقلاب اسلامی بوده‌اند. در همین ارتباط، گفتمان مصلحت‌محور یا واقع‌گرا (۱۳۶۰-۱۳۵۷)، گفتمان ارزش‌محور یا آرمان‌گرا (۱۳۶۸-۱۳۶۰)، گفتمان مصلحت‌محور یا اصلاح‌طلبی اقتصادی عمل‌گرا (۱۳۶۸-۱۳۷۶)، گفتمان فرهنگ‌گرای سیاست‌محور (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، گفتمان فرهنگ‌گرای ارزش‌محور (۱۳۸۴-۱۳۹۲) و گفتمان تعامل‌گرای جهانی و منطقه‌ای (۱۳۹۲-۱۴۰۰) در زمره گفتمان‌های سیاست خارجی دولت‌های ایران بعد از انقلاب بوده‌اند. علاوه بر ایجاد گفتمان در حوزه‌های سیاسی و سیاست خارجی از سوی دولت‌های ایران بعد از انقلاب، این دولت‌ها موجب گفتمان‌هایی در حوزه اقتصاد نیز بوده‌اند. دولت یازدهم با شعار تدبیر و امید و با لحاظ کردن اقتصاد تعامل‌گرای نئولیبرال از رهگذر برجام، تا میزانی توانست ممد حیات اقتصاد ایران گردد. اما پیروزی ترامپ و راهیابی او به کاخ سفید و سرانجام خروج واشنگتن از برجام، موجب تغییر گفتمان تعامل‌گرا گردید و به جهت فشار حداکثری و اعمال تحریم‌های چندجانبه و بد عملی تروئیکای اروپایی برجام، گفتمان تعامل‌گرای اقتصادی به اقتصاد مقاومتی تغییر جهت داد.

با همه پژوهش‌هایی که در زمینه اقتصاد سیاسی ایران از سوی پژوهشگران مسائل ایران صورت گرفته است، به نظر می‌رسد که جای پژوهشی که گفتمان اقتصادی دولت روحانی را با روش تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار داده باشد، به جد خالی است. در واقع پژوهش حاضر پاسخی به این نیاز پژوهشی است تا

خلاءهای پژوهشی در این زمینه را پر کند. در این ارتباط، پژوهش حاضر تلاش دارد ضمن پرداختن به روش تحلیل گفتمان، گفتمان اقتصادی نئولیبرال را در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ و گفتمان اقتصادی اقتصاد مقاومتی را در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار دهد. لذا، پرسش اصلی این است که اتخاذ گفتمان اقتصادی تعامل‌گرای نئولیبرال و اقتصاد مقاومتی دولت روحانی، معلول چه شرایطی و عواملی است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرد آن است که: اقتصاد تعامل‌گرای نئولیبرال روحانی، نتیجه ناکامی گفتمان عدالت‌خواه دولت نهم و دهم گفتمان اقتصاد مقاومتی نتیجه و برآیند خروج آمریکا از برجام، بی‌عملی اروپا، رفتارهای پانددولی و سینوسی روسیه و چین و کارشکنی‌های مجموعه‌های عبری-عربی بوده است.

۲. گفتمان به‌مثابه نظریه و روش

گفتمان که به سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل کلام نیز ترجمه شده است، یک گرایش بین‌رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی- معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. اصطلاح تحلیل گفتمان نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی زلیک هریس^۱ به کار رفته است. بعد از زلیک هریس، میشل فوکو^۲ مفهوم مبسوط و گسترده‌تری از گفتمان با ذکر شناسه‌های آن را ارائه داد. ادامه کار فوکو به وسیله ارنست لاکلاو^۳ و شنتال موف^۴ دنبال گردید. در واقع می‌توان گفت، نظریه گفتمان ارنست لاکلاو و شنتال موف، ون دایک، نورمن فرکلاف بسط یافته گفتمان فوکو و تبارشناسی او است (سلطانی، ۱۳۸۴: ص ۱۲).

لاکلا و موف از مفهوم هژمونی گرامشی برای تبیین فرآیندهای روبنایی اجتماعی استفاده کردند که در باورهای عمومی مردم نقش داشته است. هژمونی، قدرت را به حقیقت تبدیل کرده و سلطه را به جای زور بر

1. Zellig Harris
2. Michel Foucault
3. Ernesto Laclau
4. Chantal Mouffe

اندیشه و اقلیت مبتنی می‌کند، همچنین دستگاه‌های ایدئولوژیک را بر دستگاه‌های اجبار مقدم می‌دارد و می‌کوشد تا رضایت و اجماع مردم را به دست آورده و نظام هژمونیک را از مقبولیت برخوردار سازد (تاجیک، ۱۳۸۵: ص ۱۸).

گفتمان بر اثر مجموعه‌ای از گفتارها البته در چهارچوب قدرت و دانش گفتمانی خاص شکل می‌گیرد و مسلط می‌شود و هر گفتاری هم باید در قالب آن ریخته شود تا فهم و درک گردد. گاهی یک گفتمان یا سخن آنقدر قوی و مسلط است که مانع از شنیدن گفتار و یا درک معنای زبان می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۳: ص ۵۶). هیچ گفتمانی تا همیشه مسلط و حاکم و فراگیر نخواهد ماند، بلکه هر گفتمانی مربوط به فرهنگ و دورانی خاص از فضای سیاسی و اجتماعی است (سلطانی، ۱۳۸۷: ص ۲۷). گفتمان، نقطه تلاقی و محل گردهمایی قدرت و دانش است. گفتمان‌ها اساساً برخاسته از یک اراده معطوف به قدرت بوده و منجر به باز تولید مناسبات قدرت می‌شود (تاجیک، ۱۳۸۵: ص ۱۸).

تون ون دایک و نورمن فرکلاف بر این عقیده‌اند که رفتار جمعی را می‌توان از طریق ساخت واژگانی و گراماتولوژی کنترل کرد. اهمیت تحلیل گفتمان نظری و کاربردی در به‌کارگیری عالمانه نتایج آن در تعدیل روابط قدرت در ارکان جامعه، هدایت تحولات سیاسی و اجتماعی، سازماندهی مناسب وسایل ارتباط جمعی به ویژه در جهت ریشه کردن تعصب و همچنین تأثیر آن در تنویر افکار عمومی است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ص ۱۳۵).

طبق دیدگاه ون دایک، نظریه گفتمان شامل تبیین و فهم فرآیندهایی است که در خلال آن معنا در کنش‌های اجتماعی - سیاسی موقتاً تثبیت می‌شود. همچنین، ون دایک، یکی از وظایف مهم تحلیل انتقادی گفتمان را تبیین روابط میان گفتمان و قدرت اجتماعی می‌داند. او بر این باور است که نهادها یا گروه‌های مسلط، از طریق دسترسی به ابزارهای گفتمان و ارتباط اجتماعی و کنترل آن‌ها می‌توانند بر ساختارهای متن و گفتگو تأثیر بگذارند که دانش، نگرش هنجار، ارزش و ایدئولوژی دریافت‌کنندگان پیام، کم و بیش در جهت منافع گروه‌های مسلط، تحت تأثیر قرار گیرد (تاجیک و روزخوش، ۱۳۸۷: ص ۹۳).

به تعبیر فرکلاف، تحلیل رخدادهای ارتباطی، در رابطه با نظم گفتمانی انجام می‌گیرد، بنابراین، هر رخداد ارتباطی به منزله گونه‌ای از پرکتیس^۱ اجتماعی برای بازتولید یا به چالش کشیدن نظم گفتمانی عمل می‌کند.

فرکلاف بر این باور است که هر رخداد ارتباطی يك متن است. هر رخداد ارتباطی يك پرکتیس گفتمانی است. هر رخداد ارتباطی دارای پرکتیس اجتماعی است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ص ۴۰). در سطحی دیگر، فرکلاف الگویی سه لایه‌ای برای تحلیل انتقادی گفتمان ارائه می‌کند که مطابق آن هر نمونه کاربرد زبان، یک رخداد ارتباطی است که ناظر بر سه بعد می‌باشد:

۱. متن: شامل سخنرانی، نوشتار، اشکال بصری یا ترکیبی از آن‌ها،

۲. کردار گفتمانی: که تولید و مصرف متون را در بر می‌گیرد،

۳. کردار اجتماعی (Jorgensen & Philips, 2002: p.68).

به این ترتیب و بنا به باور فرکلاف، رابطه میان متن و کردار اجتماعی از طریق کردار گفتمانی انجام می‌شود. با استفاده از کردار گفتمانی، مردم از زبان برای تولید و مصرف متن بهره می‌برند و بدین گونه متن به کردار اجتماعی شکل می‌دهد و خود نیز توسط آن شکل داده می‌شود. در این چارچوب سطح کردارهای گفتمانی، مرتبط با تولید، مصرف و توزیع متون است. توزیع متون، مربوط به گردش متون در نظم‌های گفتمانی بوده که به صورت زنجیره‌ای صورت می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ص ۴۲).

اگرچه وندایک و فرکلاف را باید از نظریه‌پردازان تحلیل گفتمان دانست، اما مبنای تحلیل پژوهش حاضر بر اساس نظریه و روش تحلیل گفتمان در برداشت فوکویی و پسا فوکویی (لاکلاو و موف) است. روش تحلیل گفتمان فوکو و فوکوگرایانی چون (لاکلاو و موف) دارای پنج عنصر و شناسه است که عبارتند از مفصل‌بندی (عنصر، وقته، حوزه گفتمان‌گونگی)، عاملیت یا سوژه یا بی‌قراری، دال مرکزی و دال‌های شناور یا نشانه، هژمونی، غیریت یا پادگفتمان (سلطانی، ۱۳۸۷: ص ۱۵).

۳. گفتمان سیاسی دولت روحانی

میان‌روی و اعتدال را باید گفتمان سیاسی دولت روحانی دانست. این گفتمان خود را به عنوان یک «دگر» در مقابل گفتمان دولت مهر و گفتمان عدالت‌خواه دولت نهم و دهم تعریف کرد و اعتبار آن دولت را از منظر ارزش و اعتبار، ساخت‌شکنی می‌کند. مردم و ولایت‌محوری دال مرکزی گفتمان اعتدال است و به جهت تبعاتی که هشت سال گفتمان عدالت‌خواه دولت نهم و دهم برای کشور ایجاد کرده بود، هژمونی یافت و توانست به سلطه گفتمان عدالت‌خواه که بر روی نشانه‌ها و دال‌های شناوری چون محافظه‌کاری، اسلام سیاسی رادیکال، عدالت‌محوری، محافظه‌کاری سنتی ایرانی، مبارزه با ظلم جهانی، ساده‌زیستی و میهن‌دوستی به نفع مردم تهی‌دست، بی‌اعتنایی به علوم انسانی، اعتمادبه‌نفس بسیار در رویارویی با نظام

جهانی، مردم‌گرایی همراه با نگرش پدرسالارانه سنتی محافظه‌کاری ایرانی و مذاکره‌هراسی و بی‌اعتمادی به غرب، مبتنی بود، پایان دهد (هرسنی، ۱۳۹۵: ص ۱۲).

البته گفتمان اعتدال قوام و استحکام گفتمانی خود را از گفتمان سازندگی و گفتمان اصلاحات و از برخی برنامه‌های جریان اصلاحات، مشخصاً از رهگذر برنامه‌های دکتر محمدرضا عارف یعنی «منزلت، معیشت، عقلانیت» وام گرفته بود و روحانی توانست با تکیه بر «عنصر» یا همان «وقته» یا گفتمان‌گونگی، مفاهیم جدیدتری را به عنوان دال‌های شناور به گفتمان اعتدال اضافه کند. به این ترتیب دال‌های گفتمان اعتدال مردم و ولایت‌مدار روحانی را می‌توان در ذیل دال‌های شناوری چون عقلانیت، اعتمادسازی، اصلاحات، رفاه، معیشت، فقرزدایی، اعتدال، اخلاق‌مداری، راست‌گویی، کرامت و بازشناسی، تعامل سازنده با جهان، تکثر فرهنگی، حقوق شهروندی و قانون‌گرایی، خرد جمعی، اولویت مذاکره بر منازعه، مصالحه‌گرایی، اولویت امید بر ترس، تدبیرگرایی، انتقادپذیری، تساهل فرهنگی، مخالفت با انحصارگرایی، توجه به اقلیت‌ها و اقوام، فرهنگ مستقل از دولت، مدارای سیاسی و تساوی حقوق اقوام، مسئله اشتغال، ارتقای سیاست خارجی، تعامل سازنده با جهان، تعامل سازنده با همسایگان، دکترین تنش صفر با همسایگان در سیاست خارجی مفصل‌بندی کرد (هرسنی، ۱۳۹۵: ص ۱۴).

۴. تحلیل گفتمان اقتصادی تعامل‌گرایی نئولیبرال دولت روحانی در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸

نئولیبرالیسم را باید چرخش عمده‌ای در سیاست اقتصادی و تفکری اقتصادی در غرب دانست. نئولیبرالیسم تحت رکود اقتصادی غرب در فاصله سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۹۳۲ هژمونی یافت. «لسه فر» دال مرکزی نئولیبرالیسم است و دال‌های شناوری چون رقابت آزاد، خصوصی‌سازی، اتکاء به آموزه‌های آدام اسمیت^۱ «ثروت ملل» و دوری از اتانیتسم^۲ (دولت‌محوری) و فاصله‌گیری از گرایش‌های کینزی^۳ به گرد آن می‌چرخند. دو دوره مجزا در لیبرالیسم اقتصادی قابل شناسایی و مفصل‌بندی است. دور اول، از اواخر دهه ۱۹۷۰ و مشخصاً تاچریسم^۴ انگلستان و ریگانیسم^۵ در ایالات متحده آمریکا خود را نشان داد. دور دوم،

1. Adam Smith
2. Statism
3. Keynesian tendency
4. Thatcherism
5. Reaganism

مربوط به اواخر ۲۰۱۰ و بعد از رکود اقتصادی در اروپا و آمریکا در سال ۲۰۰۸ می‌باشد (بشیریه، ۱۳۸۵: ص ۳۰۱).

۴-۱. نشانگان گفتمان اقتصادی تعامل‌گرای نئولیبرال دولت روحانی در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶
گفتمان اقتصادی تعامل‌گرای نئولیبرال دولت روحانی در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ حاصل گسست و انقطاع گفتمانی دولت عدالت‌خواه یا همان دولت مهر بود. این گفتمان، هستی خود را در مقابل «دگری» چون دولت عدالت‌خواه تعریف و از نشانه‌های دولت مهر ساخت‌زدایی و به روایتی آشنایی‌زدایی کرده است.

گفتمان اقتصادی تعامل‌گرای نئولیبرال دولت روحانی تا میزانی تابعی از خرده‌گفتمان‌های مرتبط با سیاست خارجی است. در این ارتباط، دولت روحانی تلاش داشت تا به بهره‌گیری از خرده‌گفتمان‌های سیاست خارجی، زمینه را برای استیلاء و هژمونی گفتمان اقتصادی تعامل‌گرای نئولیبرال فراهم و سازماندهی کند، چراکه باور روحانی آن بود که اقتصاد تعامل‌گرای نئولیبرال از مسیر راهبرد تعامل‌گرا و سازنده‌گرایی عبور می‌کند. خرده‌گفتمان‌های سیاست خارجی مرتبط با گفتمان تعامل‌گرای نئولیبرال در قالب دال‌های شناور زیر قابل مفصل‌بندی است:

الف) اعتلای منزلت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، کاهش و یا رفع تهدیدات، تأمین امنیت ملی، گشودن بازارهای بسته و نیمه‌بسته و جذب سرمایه‌گذاری خارجی؛

ب) تثبیت دستاوردهای حاصل در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و بسط ظرفیت‌های لازم جهت نقش‌آفرینی و افزایش دستاوردها؛

ج) تغییر رابطه ایران با نظام بین‌المللی و تلاش دستگاه دیپلماسی برای کاهش ابهامات به ویژه در موضوع هسته‌ای که می‌تواند موجب کاهش فشارها و هزینه‌های سیاسی - اقتصادی سنگین برای کشور شود؛

د) تلاش برای کاهش تنش با کشورهای همسایه و افزایش همکاری‌های درون منطقه‌ای از طریق اتخاذ یک سیاست خارجی تعاملی؛

ه) بهره‌گیری مناسب و به موقع از توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف شامل حفظ و دفاع از امنیت ملی، اعتبار و اقتدار ملی، استحکام داخلی، توسعه سیاسی و بسط مشارکت ملی؛

و) الهام‌بخشی الگووار؛

- ز) اتخاذ سیاست سلطه‌گریزی؛
 ح) ارتقاء شئون و آرمان‌های جامعه اسلامی - ایرانی در حوزه بین‌الملل؛
 ط) طراحی امنیت ملی محور و منافع ملی بنیان در عرصه سیاست خارجی؛
 ی) محور قرار دادن اقتصاد و توسعه ملی در روابط خارجی؛
 ک) مقابله تئوریک و دیپلماتیک با ساختار قدرت محور جهانی؛
 ل) سیاست خارجی تعامل‌جویانه و مبتنی بر همکاری متقابل (رضائی و ترابی، ۱۳۹۲: ص ۱۳۶).

۴-۲. ابزارها و مکانیسم‌های دولت روحانی در گفتمان‌سازی اقتصاد تعامل‌گرای نئولیبرال

تکیه‌گاه دیگر گفتمان اقتصادی تعامل‌گرای نئولیبرال دولت روحانی، تنظیم اسناد بالادستی و به‌خصوص چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ بوده است. اما روحانی علاوه بر سند بالادستی به عنوان نقشه راه گفتمان اقتصادی، همگرایی با غرب به ویژه رابطه با واشنگتن از رهگذر ظرفیت‌های تیم سیاست خارجه که از منظر گفتمانی به حلقه نیویورک نزدیک بوده است، را به عنوان نقش راه دیگر انتخاب کرد. در واقع اتکاء به اسناد بالادستی و برجام، به صورت موازی در دستور کار گفتمان اقتصادی دولت روحانی قرار داشته است، اما در این ارتباط برجام را باید دال مرکزی گفتمان اقتصادی تعامل‌گرای نئولیبرال دولت روحانی دانست.

مساهمت، دیگر تلاش روحانی در گفتمان‌های اقتصادی است. روحانی برجام را بر اسناد بالادستی برای ترسیم اصول و مبانی گفتمان اقتصادی خود نسبت به سند بالا دستی ۱۴۰۴ ترجیح داده است. شکل‌گیری برجام معلول رادیکالیسم دولت نهم و دهم در سیاست خارجی به ویژه دیپلماسی هسته‌ای و واکنش‌های غرب به ویژه واشنگتن و اروپا در قبال آن و سرانجام روی کار آمدن باراک اوباما در کاخ سفید، بوده است. شعار تغییر، دال مرکزی دولت اوباما بود. اما سیاست تغییر اوباما در مواجهه با ایران، مبتنی بر گفتمان متقاعدسازی بود که دال‌هایی چون گزینه‌های اغوا و ترغیب را در مرکزیت خود داشت. در واقع گفتمان متقاعدسازی اوباما زمینه را برای مفاهمه با ایران در برجام فراهم کرد.

گزینه ترغیب اوباما یکی از دال‌های مرکزی گفتمان مفاهمه با ایران بوده و دارای دال‌های شناوری چون ترغیب درباره فناوری و انرژی هسته‌ای، ترغیب درباره مشوق‌های اقتصادی، ترغیب درباره تضمین‌های امنیتی و ترغیب درباره محرک‌های سیاسی و اجازه به ایران برای فناوری هسته‌ای بوده است. اما گزینه اغوا اوباما با ایران در شکل‌گیری برجام، معطوف به «درگیرسازی» بوده است. اوباما در اجرایی‌سازی گزینه اغوا تلاش داشت تا «سیاست چماق» را پنهان نموده و روی «سیاست هویج» مانور بیشتری دهد.

به این ترتیب، اتخاذ و اجرایی سازی الگوی متقاعدسازی از طریق دو گزینه ترغیب و اغوا سبب پذیرش ایران برای مذاکره و شکل گیری برجام شد. در واقع توافق جامع بر سر برنامه هسته‌ای ایران و به دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان، در سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا به علاوه آلمان را باید حاصل آمادگی ایران از رهگذر الگوی متقاعدسازی ایالات متحده آمریکا و باراک اوباما در قبال ایران در شکل‌گیری برجام دانست. به این ترتیب، مذاکرات رسمی برای طرح جامع اقدام مشترک درباره برنامه اتمی ایران با پذیرفتن توافق موقت ژنو بر روی برنامه هسته‌ای ایران در نوامبر ۲۰۱۳ آغاز شد و به مدت ۲۰ ماه کشورها درگیر مذاکره بودند که در آوریل ۲۰۱۵ تفاهم هسته‌ای لوزان شکل گرفت (متقی، ۱۳۸۸: ص ۹۷).

۴-۳. ارتقاء ظرفیت‌های گفتمان اقتصادی دولت تعامل‌گرا از رهگذر برجام

شکل‌گیری گفتمان برجام موجب آزاد شدن پول‌های بلوکه شده در غرب و عقد مناسبات تجاری با اروپا گردید و هیچ کشوری تمایل نداشت فرصت روابط تجاری با ایران را از دست دهد و در انتهای لیست شرکای تجاری با ایران قرار گیرد. مهم‌ترین نتیجه گفتمان اقتصادی تعامل‌گرای نئولیبرال دولت روحانی، نگاه متفاوت به موضوع هسته‌ای در قیاس با رادیکالیسم دولت نهم و دهم بود. نتایج اقتصادی حاصل از برجام دولت روحانی را می‌توان در قالب خرده‌گفتمان‌های زیر مفصل‌بندی کرد:

۱. خروج از بند هفتم شورای امنیت،
۲. فروپاشی نظام تحریم و عقد مناسبات تجاری اروپا و ایران،
۳. از میان رفتن خطر جنگ ایران و غرب،
۴. کاهش حجم تنش‌ها با واشنگتن و اروپا،
۵. ارتقاء ۶۰ درصدی سطح همکاری‌های تجاری ایران و اروپا،
۶. تحویل ۱۲ هواپیمای ایرباس و ای.تی.آر اروپا به ایران،
۷. امضای قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با شرکت توتال فرانسه،
۸. اجرای قرارداد پژوی فرانسه با ایران،
۹. قرارداد تأمین مالی در قالب فاینانس به ارزش ۶/۵ میلیارد یورو میان ایران و بانک‌های اروپایی،
۱۰. قراردادهای متنوع ایران با غرب در حوزه‌های خودرو (پژو و رنوی فرانسه)، هوایی (ایرباس)، نفت و گاز (شل و توتال)، حمل و نقل ریلی (ایتالیا و زیمنس)،

۱۱. سه برابر شدن صادرات ایران به اروپا بعد از برجام (مرکز مطالعات کمیسیون اقتصادی مجلس، ۱۳۹۵: ص ۸).

۵. گفتمان اقتصاد مقاومتی دولت روحانی در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰

از منظر علت‌یابی، گفتمان اقتصاد مقاومتی دولت روحانی را باید نتیجه خروج آمریکا از برجام در ۱۸ ماه مه ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸) و سپس بی‌عملی یا بد عملی تروئیکای اروپایی برجام (لندن، پاریس، برلین) و همچنین رفتار سینوسی و پاندولی روسیه و چین و حتی اقدامات کارافزایانه و مانع‌تراشی‌های مجموعه‌های عبری-عربی دانست. در حقیقت خروج آمریکا از برجام، بی‌عملی اروپا، رفتارهای پاندولی و سینوسی روسیه و چین و کارشکنی‌های مجموعه‌های عبری-عربی، منجر به شیفت گفتمان اقتصادی از سویه گفتمان تعامل‌گرای نئولیبرال به گفتمان مقاومتی در فاصله سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ گردید (هرسنی، ۱۳۹۹: ص ۸۶).

۱-۵. راهیابی ترامپ به کاخ سفید و زمینه‌های ادراکی برای اتخاذ الگوی اقتصاد مقاومتی از سوی دولت روحانی

ترامپ را می‌توان پدیده انتخاباتی آمریکا در کنوانسیون‌های ایالتی، کنوانسیون ملی حزب جمهوری خواه و انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۱۶ دانست (متقی، ۱۳۹۸: ص ۱). در این ارتباط باید گفت که به قدرت رسیدن ترامپ تا میزانی تابعی از بی‌اعتمادی جامعه آمریکا به نقش گروه‌های ذی‌نفوذ است. ورود دونالد ترامپ به ساختار دولت و عرصه حکومت نشان می‌دهد که نظام سیاسی ایالات متحده تحت تاثیر گروه‌های ذی‌نفوذ قرار گرفته و از انعطاف‌پذیری لازم در ارتباط با نقش‌یابی گروه‌های فشار برخوردار است (متقی، ۱۳۹۸: ص ۶).

ترامپ توانست شکل خاصی از پوپولیسم سیاسی آمریکا را بازتولید نماید که با قالب‌های مفهومی و رفتار ملی‌گرای آمریکا پیوند دارد. سرنوشت سیاسی ترامپ تابعی از تیز هوشی شخصیتی، ابتکار عمل و سودجویی است که آن را به عنوان زیربنای حرکت سیاسی و راهبردی در ایالات متحده به کار گرفته و بر این اساس به مطلوبیت‌های قابل توجهی در حوزه اقتصادی و راهبردی نایل گردیده است. در سطحی دیگر، پیروزی ترامپ را می‌توان انعکاس نقش‌یابی نیروهای ناراضی از الیگارشی قدرت و همچنین نمادی از بحران اعتماد در جامعه آمریکا دانست.

دال مرکزی گفتمان ترامپسیسم را ملی‌گرای آمریکایی تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، گفتمان ترامپ، ادبیات سیاسی و الگوی رفتاری ترامپ نشانه‌هایی از ملی‌گرای آمریکایی را منعکس می‌سازد. دال‌های شناور ملی‌گرای ترامپ، مبتنی بر نشانه‌ها و جلوه‌هایی چون شهری بر فراز تپه، رسالت‌گرای هنجاری، ژئوپولیتیک جهانی، قدرت پنهان، قدرت اقتصادی، مقابله با پیمان‌های بین‌المللی، دکترین طلاق، رهبری جهان بر اساس قدرت و ابتکار عمل و بازتولید پوپولیسم سیاسی می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که محور اصلی قدرت پنهان آمریکا را می‌توان در نهادهایی دانست که گروه‌های صهیونیست‌محور در ساختار سیاسی ایالات متحده ایجاد نموده و زمینه جایگاه‌یابی ترامپ را به وجود آورده است. به همین دلیل است که چالش‌هایی را در برابر جمهوری اسلامی ایران، روسیه، گروه‌های انقلابی و جبهه مقاومت ایجاد خواهد کرد (متقی، ۱۳۹۸: ص ۱۲). از منظر تحلیل گفتمانی، پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا را می‌توان در قالب دال‌ها و خرده گفتمان‌های زیر مفصل‌بندی و تبویب کرد:

- اعتباریابی دونالد ترامپ در کنوانسیون‌های ایالتی حزب جمهوری خواه،
- مقابله جویی با الیگارشی حکومتی،
- ملی‌گرایی آمریکایی و بازتولید جامعه‌پذیری سیاسی،
- ویژگی‌های شخصیتی و الگوی کنش رفتاری دونالد ترامپ،
- تیزهوشی و ادبیات تهاجمی دونالد ترامپ،
- جذب نیروهای اجتماعی به حاشیه رانده شده در رقابت‌های سیاسی،
- کنش میان فردی و هم‌رنگی اجتماعی،
- ملی‌گرایی و هویت‌گرایی دونالد ترامپ،
- مقابله‌گرایی با پادگفتمان‌های هویتی،
- بازتولید قدرت آمریکا در ادبیات و مناظره‌های انتخاباتی ترامپ،
- غیریت‌سازی و بازتولید تنفر در فضای سیاسی و اجتماعی آمریکا،
- تناقض نظرسنجی و غافل‌گیری سیاسی آمریکا،
- ادبیات اغواگرانه ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری،
- استفاده از دموکراسی توده‌ای و بهره‌گیری از نیروهای حاشیه‌ای و عوام‌گرا (متقی، ۱۳۹۸: ص ۳۵).

۲-۵. راهبرد فشار حداکثری به منظور شکل‌گیری برجام بر مبنا و معیارهای ترامپ علیه ایران در پی خروج ترامپ از برجام

با روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ در آمریکا، سیاست‌های جدیدی در قبال ایران اتخاذ شد. این دولت کل نظام حاکم را هدف قرار داده و با اتخاذ سیاست (مهار فعالانه یا عقب راندن)، فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی را به شکل جدی پیگیری کرده است. دولت ترامپ علاوه بر سد و مهار کردن دامنه مداخلات و نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه، به دنبال تغییر رفتار و استراتژی جمهوری اسلامی و در صورت امکان براندازی آن از طریق اعمال سیاست (فشار حداکثری) بوده است. سیاست فشار حداکثری به عنوان دال مرکزی گفتمان ترامپ در قبال ایران دارای دال‌های شناوری چون اعمال تحریم‌های ثانویه، اعمال تحریم‌های مغایر با برجام، اعمال قانون کاتسا، اعمال قانون آیلسا و اعمال قانون سیدا، بلوکه کردن پول‌های ایران، به صفر رساندن فروش نفت ایران بوده است. در مقابل این گفتمان، جمهوری اسلامی ایران گزینه صبر حداکثری را به عنوان دال مرکزی در قبال ایران آزاری ترامپ قرار داد. گزینه صبر حداکثری ایران دارای نشانه‌ها و دال‌های شناوری چون ایده نه جنگ و نه مذاکره، دور زدن تحریم‌ها، ائتلاف‌سازی با ونزولا و اجرایی‌سازی عمق استراتژیک در کانون‌های پر آشوبی چون سوریه، یمن، عراق، لبنان و فلسطین بوده است (آقایی، ۱۳۹۹: ص ۱۲).

افزون بر این، ترامپ بر این باور بود که مشکلات شدید اقتصادی و ناآرامی‌های اجتماعی که از دی ماه ۱۳۹۶ در ایران آغاز شده و تاکنون ادامه دارد، جمهوری اسلامی را در موضعی قرار خواهد داد که یا باید بر اساس شروط دوازده گانه پمپئو با آمریکا مذاکره کند و یا به شکلی اجتناب‌ناپذیر با پیامدهای فروپاشی نظام سیاسی دست و پنجه نرم کند. نکته قابل توجه دیگر این است که آمریکا از طریق گسترش و تعمیق همکاری‌ها با متحدان منطقه‌ای خود از جمله اسرائیل، عربستان و امارات به دنبال ایجاد یک قطب‌بندی ژئوپولیتیک تازه در خاورمیانه است تا جمهوری اسلامی را وادار کند که سیاست‌هایش را از کابل تا کاراکاس تغییر دهد (دهشور، ۱۳۹۹: ص ۱۸).

در واقع ترامپ در تعقیب گفتمان فشار حداکثری در قبال جمهوری اسلامی ایران به دنبال آن بود که تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی مانند تیغ دولبه عمل کنند، به این معنی که تحریم‌ها بتوانند برای تغییر رفتار به جمهوری اسلامی فشار وارد کند و هم مشوق‌هایی برای تغییر رفتار ارائه نماید. هدف ترامپ این بود که حکومت ایران بگوید سیاست‌های تحریک‌زا و بی‌ثبات‌کننده برای جمهوری اسلامی هزینه دارد و

در عین حال، رفتار سازنده‌تر نیز یعنی آمدن به میز مذاکره و توافق دیگر بر سر برجام با توجه به لحاظ کردن رفتارهای منطقه‌ای و برنامه‌های موشکی در دسترس است. از دیدگاه دولت ترامپ، جمهوری اسلامی می‌بایست میان ادامه دادن یا دست کشیدن از سیاست‌هایی که باعث تحریم و فشار شده است، یکی را انتخاب کند. هدف دیگر ترامپ در فشار حداکثری آن بود که جمهوری اسلامی را چنان تحت فشار قرار دهد تا با توجه مفرط به مسایل امنیتی و خارجی، از مشکلات درونی غفلت ورزد، و بدین ترتیب شورش و ناراضی‌های داخلی و ضربات بی‌امان ایالات متحده از خارج، شیرازه این حکومت را از هم فرو بپاشد. اعتراضات سال ۱۳۸۸ و همچنین موج‌های اعتراضی از دی ماه ۱۳۹۶ تاکنون نمونه بارز این مسئله هستند (آقایی، ۱۳۹۹: ص ۱۵).

برخی دیگر از اقدامات آمریکا برای اعمال فشار حداکثری بر روی جمهوری اسلامی را می‌توان به طور مختصر به شرح زیر دسته‌بندی و مفصل‌بندی کرد:

الف) تلاش برای عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسرائیل از طریق ابتکار (معامله قرن) و همچنین طرح خطر هلال شیعی و برجسته کردن جمهوری اسلامی به عنوان دشمن مشترک عرب‌ها و اسرائیل؛

ب) تلاش برای تمديد تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی و فعال کردن مکانیزم ماشه قطعنامه ۲۲۳۱ برای بازگرداندن قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل؛

ج) تلاش برای جلوگیری از عبور لوله‌های نفت و گاز از مبدأ ایران به مقصد هند، ترکیه و اروپا.

۳-۵. اتخاذ گفتمان اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در پی خروج ترامپ از برجام

پس از خروج از برجام، مقامات آمریکا، شروع به وارد کردن فشار به همه کشورها برای همکاری با تحریم‌ها علیه ایران کردند، تا صادرات نفت ایران را به صفر برسانند، سیاستی که نمی‌توانست واقعا اجرا شود، اما توانست صدور نفت ایران را به حداقل برساند. در ۲۰۱۵ که توافق برجام به امضاء رسید، صادرات نفت خام ایران ۱/۸ میلیون بشکه در روز بود، که تا ۲۰۱۷ به ۲/۱۲ میلیون بشکه می‌رسد، اما در ۲۰۱۸ یعنی سال خروج آمریکا از برجام، به ۱/۸ میلیون بشکه و سپس در ۲۰۱۹ به ۶۵۱ هزار بشکه در روز، می‌رسد. این رقم در سال ۲۰۲۰ به ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. البته آمارهای غیررسمی، کاهشی تا ۱۰۰ هزار بشکه را نیز بیان می‌کنند. در این بین، برخی از کشورها همچون چین، هند، کره جنوبی و... از وزارت خزانه‌داری آمریکا اجازه گرفتند که ورود نفت خام از ایران را به تدریج کاهش دهند.

این کشورها مجاز به دریافت نفت از ایران شدند؛ با این حال به علت تحریم‌های مالی آمریکا، این کشورها درآمدهای نفتی ایران را در بانک‌های خود بلوکه کردند و حاضر به پرداخت آن‌ها نشدند. برای نمونه در مورد کره جنوبی که بیش از ۹ میلیارد دلار ایران را توقیف کرده است، روابط دو کشور تیره شده و ایران نفتکش هانکوک چمی را در خلیج فارس به دلیل نقض پیاپی قوانین زیست محیطی دریایی توقیف کرد (نقشبندی، ۱۳۹۹: ص ۱۶۷).

در واقع با خروج آمریکا از برجام، به نظر می‌رسید امنیت انرژی جهانی تهدید شده و قیمت نفت افزایش یابد، اما با تبدیل ایالات متحده به بزرگ‌ترین صادرکننده، افزایش تولید عربستان سعودی و آغاز بحران کرونا، ۶۹ دلار در ۲۰۱۸ به ۶۴ دلار در ۲۰۱۹ و ۴۱ دلار در ۲۰۲۰ سقوط کرد. این وضعیت در کنار شیوع کوید ۱۹ در سراسر جهان، به شدت روی درآمدهای نفتی ایران اثر گذاشت و موجب شد تا دولت با کسری بودجه شدیدی روبه‌رو شود. به طوری که نرخ برابری ریال در برابر دلار، جهت تأمین این کسری بودجه به شدت افزایش یافت و تنها در ۲۰۲۰ از ۱۴۰ هزار ریال در ژانویه برای هر دلار به رقم ۳۳۰ هزار ریال در اکتبر افزایش یافت و سپس با تزریق روزانه ۵۰ میلیون دلار به بازار، با کاهش به رقم ۲۶۵ هزار ریال در دسامبر ۲۰۲۰ رسید. به این ترتیب تحریم‌های آمریکا همراه با خروج از برجام موجب شد تا ایران دچار کسری بودجه شدیدی شود و در پی آن نرخ تورم نیز افزایش یابد (قاندی، ۱۳۹۹: ص ۱۷۵).

راهبرد اصلی ایران برای مقابله با شرایط تحریمی، اقتصاد مقاومتی بود. دال مرکزی اقتصاد مقاومتی، توسعه اقتصادی درون‌زای برون‌گرا بود و دولت ایران را بر آن داشت که در زمینه اقتصادی خودکفا شود و وابستگی خود را به اقتصاد تک‌محصولی وابسته به قیمت‌های جهانی نفت، قطع کند. در این ارتباط آیت‌الله خامنه‌ای رهبری انقلاب فرمودند که: قطعاً ما باید اقتصادمان را جوری تنظیم کنیم که با رفتن و آمدن تحریم و با بازیگری‌های دشمن، در اقتصاد دچار مشکل نشویم. ما این را به صورت یک سیاست ابلاغ کردیم که همان سیاست اقتصاد مقاومتی است (قاندی، ۱۳۹۹: ص ۱۷۸). اقتصاد مقاومتی نیازمند یک فلسفه پشتیبان بسیار مستحکم است که بتواند به‌مثابه موتور پیشبرنده آن عمل نماید (طوسی و طاهری خسروشاهی، ۱۳۹۷: ص ۱۹۳).

برای نمونه در این راهبرد، ایران تلاش کرده است با وجود تحریم‌های مالی و حضور در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی در سال ۲۰۲۰، صادرات غیرنفتی خود را افزایش دهد و صادرات غیرنفتی خود را با وجود تحریم مالی به بیش از ۳۰ میلیارد دلار برساند. در عین حال واردات غیرنفتی آن هم بیش از ۳۳ میلیارد دلار بوده است که تراز تجاری نزدیک به منفی ۳ میلیارد دلار را در این بخش نشان می‌دهد.

۶. نتیجه‌گیری

در یک نگاه جامع و رادع و به عنوان نتیجه‌گیری نهایی باید خاطر نشان کرد که گفتمان تعامل‌گرای نئولیبرال و گفتمان اقتصاد مقاومتی روحانی انطباق کامل و یا دست کم حداکثری در تحقق توسعه اقتصادی و برنامه‌های مرتبط با آن را نداشته است و این گفتمان‌ها در میان گرایش‌های سوسیالیستی و شبه لیبرالیستی در نوسان بوده است. افزون بر این، به ویژه گفتمان تعامل‌گرای نئولیبرال از عمق تئوریک و معرفتی برخوردار نبوده و صرفاً معلول تلقی قشری از توسعه اقتصادی و با گریز برداری ژورنالیستی از اندیشه‌های غربی بوده است. از منظر خط و سیر منطقی نیز، گفتمان اقتصادی دولت روحانی در تداوم گفتمان‌های اقتصادی دولت‌های گذشته نبود و همراه با گسست و انقطاع گفتمانی در اقتصاد بوده، به گونه‌ای که در نقطه گفتمان دولت یا دولت‌های قبلی قرار داشته است. از آنجایی که پیش‌بینی از آینده سازوکارهای اقتصادی، از ویژگی‌های تحلیل گفتمانی است، به نظر می‌رسد که گفتمان اقتصاد مقاومتی و مدیریت جهادی قرار است مبنا و الگوی دولت سیزدهم در مناسبات و سازوکارهای اقتصادی قرار گیرد که به نظر نمی‌رسد متضمن نتایج مطلوب باشد.

در فضای اقتصاد سیاسی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌الملل، دولت روحانی امکان ایجاد یک خط ثابت میان اقتصاد و قدرت را از دست داد، به نوعی که اقتصاد به پاشنه آشیل دولت روحانی تبدیل شد. دولت روحانی با تقدم سیاست بین‌الملل بر اقتصاد بین‌الملل، اولویت امر را در ابتدای مسیر به مذاکرات بین‌المللی داد. دولت رئیسی که میراث‌دار بحران‌های ایجاد شده توسط دولت دهم (در سیاست بین‌الملل) و دولت یازدهم و دوازدهم است، می‌بایست بتواند خط ثبات اقتصادی را از داخل آغاز نموده و بروندادهای سیاسی آن را در نظام بین‌الملل جستجو نماید. بدون ایجاد یک اقتصاد سیاسی داخلی، امکان توفیق در اقتصاد بین‌الملل وجود ندارد و بدون کامیابی در اقتصاد بین‌الملل، سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل در مسیر درست قرار نمی‌گیرد.

منابع

- آقایی، حسین (۱۳۹۹). *دکترین فشار حداکثری ترامپ: چالش پایدار مهار جمهوری اسلامی ایران*. ترکیه: مرکز مطالعات ایرانی آنکارا.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: نشر نی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۵). *گفتمان به‌مثابه نظریه و روش*. تهران: مرکز مطالعات استراتژیک.
- تاجیک، محمدرضا؛ روزخوش، محمد (۱۳۸۷). *بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان*. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ۱۶(۶۱).
- جدی، حسین (۱۳۹۸). *بررسی تأثیر ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر ساختار سیاسی آن با تأکید بر فرایند مردم‌سالاری*. *سیاست متعالیه*، شماره ۲۵: صص ۱۹۵-۲۱۲.
- دهشور، محمدحسین (۱۳۹۹). *دکترین فشار حداکثری ترامپ: چالش پایدار مهار جمهوری اسلامی ایران*. ترکیه: مرکز مطالعات ایرانی آنکارا.
- رضائی، علیرضا؛ ترابی، قاسم (۱۳۹۲). *سیاست خارجی دولت روحانی: تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا*. *تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، شماره ۱۵.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات نشر نی.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۷). *تحلیل گفتمان سیاسی*. *علوم سیاسی*، ۱۱(۴۲).
- سلیمی، اصغر (۱۳۸۳). *گفتمان در اندیشه فوکو*. تهران: موسسه کیهان.
- طوسی، علی؛ طاهری خسروشاهی، محمدحسین (۱۳۹۷). *بررسی انطباق‌پذیری سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی در دستگاه معرفتی حکمت سیاسی متعالیه*. *حکمت متعالیه*، شماره ۲۳: صص ۱۹۴-۲۲۳.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *گفتمان و متن: تحلیل زبانشناختی و بینامتنی در چارچوب تحلیل گفتمان*. در: *ترجمه رامین کریمیان، تحلیل انتقادی گفتمان*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قاندی، محمدرضا (۱۳۹۹). *پیامدهای سیاسی و اقتصادی خروج آمریکا از برجام برای ایران در دوره ترامپ و آغاز دوره بایدن*. *مطالعات بین‌المللی*، ۱۷(۳).
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸). *نامه دفاع آمریکا در برابر ایران*. تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۸). *ترامپ، جمهوری اسلامی ایران و سیاست بین‌الملل*. تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- مرکز مطالعات کمیسیون اقتصادی مجلس (۱۳۹۵). *نتایج برنامه‌های توسعه اقتصادی نئولیبرالی دولت یازدهم*. تهران: کارگروه اقتصادی مرکز مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی.
- نقشبندی، علی (۱۳۹۹). *پیامدهای سیاسی و اقتصادی خروج آمریکا از برجام برای ایران در دوره ترامپ و آغاز دوره بایدن*.

مطالعات بین‌المللی، ۱۷(۳).

هرسنی، صلاح‌الدین (۱۳۹۵). گفتمان سیاسی دولت روحانی. اندیشه پویا، ۴(۴۸).

هرسنی، صلاح‌الدین (۱۳۹۹). شیفت گفتمانی اقتصاد نئولیبرالی به اقتصاد مقاومتی دولت روحانی. تهران: روزنامه جهان صنعتی.

Jorgensen, M. & Philips, L. (2002). *Discourse Analysis as Theory Method*. London: Sage Publications.